

نامه به نشریه عصرما در مورد مقاله "درباره شیوه ناپسند روزنامه رسالت"

مدیریت محترم نشریه عصر ما

با سلام، در شماره ۶۶ مورخ ۷۶/۱/۲۳ نشریه عصر ما، طی مقاله‌ای با عنوان «درباره شیوه ناپسند روزنامه رسالت»، مطالبی راجع به نهضت آزادی ایران درج شده است که در دو بخش قابل توجه و بحث می‌باشد و بدین وسیله درخواست می‌شود که توضیحات زیر در اولین شماره آن نشریه درج گردد.

۱- در ابتدای مطلب نوشته شده است:

«اینجانب و دوستانم در سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران بارها اعلام کرده‌ایم که هر گروه سیاسی، از جمله نهضت آزادی، که وابسته به بیگانه، محارب و یا تجزیه‌طلب نبوده و حاضر به فعالیت در چارچوب قانون اساسی جمهوری ایران باشد، حق دارد به فعالیت سیاسی قانونی بپردازد.»

این که به رغم جوسازی و تهمت‌زدن‌ها و اعمال محدودیت‌های غیرقانونی حاکمیت علیه نهضت آزادی ایران، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بر اساس قانون‌گرایی و در جهت قانون‌مند شدن جامعه، با شجاعت و صراحت نسبت به آزادی احزاب و از جمله نهضت آزادی اظهارنظر نموده است موجب خوشحالی و سپاسگزاری می‌باشد و نقطه مثبتی در تاریخ فعالیت آن سازمان محسوب می‌گردد. نهضت آزادی ایران به کرات اعلام کرده است که انقلاب اسلامی را یک انقلاب اصیل مردمی و تاریخی می‌داند و به آرمان‌های والای آن یعنی آزادی و استقلال وفادار و متعهد است.

نهضت آزادی به نظام جمهوری اسلامی رأی داده و نسبت به آن متعهد می‌باشد و نیز به قانون اساسی التزام دارد، اما با سیاست‌ها و عملکردهای حاکمیت مخالف است. ما حاکمیت را معادل نظام نمی‌دانیم. قانون اساسی به ملت اجازه می‌دهد که هر چهار سال یک بار حاکمیت را اصلاح کند و یا به کلی تغییر دهد. مخالفت با حاکمیت مخالفت با نظام نیست و نقد عملکردها و سیاست‌های حاکمیت تضعیف نظام محسوب نمی‌گردد.

۲- در ادامه مطلب نوشته شده است:

«به باور ما اینگونه گروهها حرف جدید و مهمی برای گفتن ندارند و حتی در گذشته نیز در اوج بهره‌مندی از آزادی‌های بی‌حدوحصر آغاز انقلاب، با وجود داشتن تریبونهای متعدد، از سوی مردم منزوی شدند.»

چنین قضاوتی بنا به دلایل زیر نارس است و به دور از انصاف و واقعیت است.

اولاً، نهضت آزادی ایران از امکانات و آزادی‌های لازم برای یک حزب سیاسی برخوردار نیست تا بتواند سیاست‌ها و برنامه‌های خود را درباره مسائل مختلفی که جامعه ما در حال حاضر با آنها درگیر است و نیز درباره رویدادهای مهمی که در کشورمان رخ می‌دهد بیان نماید. اما چنین نیست که نهضت آزادی، به عنوان یکی از قدیمی‌ترین احزاب سیاسی ملی - اسلامی ایران، حرفهای جدید و مهمی برای گفتن ندارد. از آنجا که آرمان‌های ریشه‌دار ملت ایران در مبارزات علیه استبداد داخلی و استیلای خارجی هنوز به طور مطلوب تحقق نیافته است، مسلماً بحث درباره آنها هرگز کهنه و قدیمی نخواهد بود و می‌بایستی در

رأس هر نوع فعالیت سیاسی قرار گیرد. به همین دلیل و در راستای تحقق این آرمانهاست که نهضت آزادی ایران در طول ۱۸ سال گذشته، با وجود توقیف روزنامه، تعطیل دفتر، ضرب و شتم اعضا و هواداران، بازداشت و آزار رهبران، جوسازی و تهمت زنی و حتی جلوگیری از درج آگهی تسلیت در روزنامه و برگزاری مراسم سالگرد دبیرکل فقید خود، افتخار دارد که پرچم دفاع از آزادی‌های قانونی را برافراشته نگه داشته، با صداقت و رعایت تقوا و پذیرش تمام خطرات و پیامدها نسبت به کلیه مسائل مهم سیاسی داخلی و خارجی کشور اظهارنظر نموده و با نگارش و انتشار جزوه‌ها و اطلاعیه‌های عمومی، اگرچه در سطح محدود، دین و وظیفه خود را نسبت به میهن و ملت در حد توان و امکانات ادا کرده است.

ثانیا، ادعای بهره‌مند بودن نهضت آزادی از آزادی‌های بی‌حدوحدصر آغاز انقلاب که حاصل مدیریت دولت موقت قلمداد شده است، کاملاً نادرست است. با انقلاب مردم ایران، استبداد ریشه‌دار سلطنتی سرنگون شد و تمام نیروها رها و آزاد شدند. کسی به مردم آزادی نداد، بلکه آنها خود آزادی را به دست آوردند. در آن شرایط متلاطم و آشفته، چه کسی می‌توانست آنان را مهار کند؟ در چنان شرایط سخت و استثنایی، دولت موقت با از خودگذشتگی و تلاش شبانه‌روزی سعی کرد به اوضاع آشفته ناشی از دگرگونی انقلابی سروسامانی دهد و ساختار قانونی جدیدی را جایگزین سازد. به موجب حکم صادر شده از جانب رهبر فقید انقلاب، دولت موقت وظیفه‌ای هم جز این نداشت و به گواهی تاریخ، این مرحله از انقلاب را با موفقیت تمثیت نمود و هنگامی که ادامه خدمت را غیرممکن یافت، با سربلندی و افتخار و صداقت استعفا کرد. بنابراین، مشارکت اعضای نهضت آزادی در دولت موقت برای کسب قدرت نبود تا بخواهد تریبون‌ها را به هر قیمت حفظ کند!

ثالثا، نهضت آزادی ایران هرگز از سوی مردم منزوی نشده است. این ادعای مخالفان نهضت آزادی است و پایه و اساسی ندارد. زیرا اگر چنین بود، سرکوب گسترده نهضت آزادی ضرورتی نمی‌داشت و ترس از فعالیت نهضت آزادی هم بی‌مورد می‌بود. بنابراین، به همان تعبیری که در نوشته شما آمده، بهتر است که به نهضت آزادی اجازه فعالیت آزاد بدهند و بگذارند که مردم خود قضاوت کنند.

۳- در پایان نوشته‌اید:

«به عبارت دیگر، ما معتقدیم بقا و حتی رشد این گونه گروهها اصولاً در مظلوم‌نمایی و فضای بسته است، در حالی که اگر امکان فعالیت آزاد سیاسی بیابند، در بستر یک مبارزه سالم فکری - سیاسی، خالی بودن دست آنها عیان خواهد شد.»

قسمت اول این مطلب علی‌الاصول درست است. به همین دلیل، سرکوب عقاید و اندیشه‌ها در اکثر موارد به تقویت آنها می‌انجامد. بهتر است که همه نیروها دست به دست هم دهند تا فضای باز و سالمی برای فعالیت فکری و سیاسی همه نیروها به وجود آید. پیش داوری هم نباید کرد و نباید خود را قیم مردم دانست. طبیعی است که در جو باز و سالم سیاسی و در سایه تضارب آرا و عقاید، مردم رشد سیاسی می‌یابند و گروه‌های بی‌پایه و بی‌ریشه خود به خود از صحنه حذف می‌شوند.

در پایان، از مسئولان محترم سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی انتظار داریم که به منظور باز کردن جو سیاسی و فراهم شدن فضای سالم و خلاق، با هرگونه اعمال غیرقانونی حاکمیت و گروههای فشار وابسته به آن علیه نهضت آزادی و سایر گروههایی که در چارچوب قانون اساسی فعالیت می‌کنند، به طور جدی

مقابله کنند تا با تکیه بر مشترکات گروهها، امکان تبادل نظر و حصول تفاهم درباره وظایف و مسئولیتها فراهم گردد.

نهضت آزادی ایران آمادگی دارد که به تمامی سئوالات و انتقاداتی که پیرامون سیاستها و عملکردهای آن، در طول عمر پربرکت ۳۶ ساله‌اش، در داخل و خارج مطرح می‌شود پاسخ دهد و از این که نشریه عصر ما فضای مناسبی برای اینگونه گفت و شنوهای سازنده را باز می‌کند، تشکر می‌نماید.

با تقدیم و احترام

دفتر روابط عمومی نهضت آزادی ایران

۷۶/۰۲/۱۳